

شیوه‌های جعل حدیث

قاسم بستانی*

چکیده:

حدیث موضوع و ساختگی، بنابر شواهد تاریخی و اتفاق علمای مسلمان، از پدیده‌های کهن میراث حدیثی مسلمانان است که سابقه آن به زمان پیامبر ﷺ بر می‌گردد. این پدیده از ابعاد مختلفی، مانند زمان آغاز جعل حدیث، آغازگران جعل حدیث، زمینه‌ها و علل جعل حدیث، وضاعان حدیث و ... قابل بررسی و مطالعه است. در این مقاله تلاش می‌شود به اختصار به یکی از این ابعاد، یعنی شیوه‌های جعل حدیث، پرداخته شود تا معلوم شود که سازندگان احادیث جعلی چگونه به خلق احادیث موضوع می‌پرداختند. علاوه بر آن، برای تکمیل بحث، به دو مطلب مرتبط دیگر یعنی منابع جعل کنندگان حدیث و مضامین احادیث موضوع، اشاره می‌شود.

کلید واژه‌ها: حدیث، جعل، موضوع، شیوه‌ها، منابع، مضامین.

۱. شیوه‌های جعل حدیث

جعل کنندگان حدیث، شیوه‌های چندی را برای جعل حدیث تجربه کرده‌اند که ذیلاً مهم‌ترین این شیوه‌ها ذکر می‌شود:

۱ - ۱. جعل کنندگان حدیث، تمام متن حدیث را، با معانی و الفاظ آن، ساخته و برای آن سندی تا پیامبر ﷺ درست می‌کنند.^۱ سند این حدیث نیز ممکن است، به‌نوبه خود، ساختگی یا همچنان که خواهیم دید، سند حدیثی دیگر و شناخته شده‌ای باشد.

برخی این شیوه را نوعی خیال‌پردازی و شبیه به هذیان‌گویی دانسته‌اند^۲ و همچنان که برخی

* استادیار دانشگاه شهید چمران اهواز.

۱. علوم الحدیث (مقدمه ابن الصلاح)، ص ۱۸۱ الزعایة فی علم الدراریة، ص ۱۶۳؛ الرواشح السماویة فی شرح الاحادیث الامامیة، ص ۱۹۸؛ مقیاس الهدایة فی علم الدراریة، ج ۱، ص ۴۱۶؛ علوم الحدیث و مصطلحه، ص ۲۸۲، منهج النقد فی علوم الحدیث، ص ۶۰.

۲. منهج نقد المتن عند علماء الحدیث النبوی، ص ۶۰.

تصریح کرده‌اند، بیشتر احادیث وضعی، به‌خصوص احادیث قصاصان، بدین شیوه به‌وجود آمده‌اند.^۳ برای مثال علامه طباطبایی هنگام تفسیر آیات: «وَلَقَدْ ءَاتَيْنَا دَاوُودَ وَسُلَيْمَانَ عَلِمًا ... وَخَشِيرَ لِسُلَيْمَانَ جُنُودَهُ مِنْ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ وَالطَّيْرِ فَهُمْ يُوزَعُونَ» (سوره نمل آیه ۱۵ - ۱۷)، در نقد داستان‌های مربوط به حضرت سلیمان - که در احادیث آمده‌اند - می‌گوید که آنها امور شگفت‌انگیز و غریبی هستند که عقل سلیم، بلکه تاریخ قطعی آنها را نمی‌پذیرد؛ حتی نظیر آنها در افسانه‌های خرافی کمتر دیده شده است. آنها مبالغه‌هایی هستند که از امثال کعب و وهب روایت شده است. آنها چنان مبالغه کرده‌اند که گفته‌اند سلیمان پادشاه تمام مردم زمین بود و هفتصد سال حکومت کرد و تمام موجودات روی زمین از انس و جن و حیوانات وحشی و پرندگان جزء لشکریانش بودند؛ در پایتخت او سیصد هزار کرسی، هر یک برای یک پیامبر گذاشته شده بود؛ بلکه هزاران پیامبر و صدها هزار نفر از امرای انس و جن روی آنها می‌نشستند و مادر ملکه سبا از جنیان بود. از این‌رو، پاهای ملکه مانند خران سم داشت و پاهایش را پنهان می‌داشت و ماجرا صرح پرده از این حقیقت برداشت. او پادشاه چهارصد شاه بود که هر شاه چهارصد هزار سرباز داشت و دارای سیصد وزیر و دوازده هزار فرمانده نظامی که هر یک دوازده هزار سرباز داشت، ... و دیگر اخبار عجیب و غریب غیر قابل قبولی که باید آنها را قطعاً از اسرائیلیات دانست.^۴

ناگفته نماند که پاره‌ای از تعبیر قرآنی در خصوص سلیمان علیه السلام خود به اندازه کافی موجب شگفتی است.

۱ - ۲. جعل‌کننده، حکمتی دلپذیر، سخنی جامع یا مثلی موجز را از دیگران چون حکمای پیشین، سلف صالح از صحابه، تابعین، تابع تابعین و پزشکان، و نیز از کتب مذاهب مختلف، به‌خصوص اهل کتاب (اسرائیلیات)، گرفته و با سندی دروغین آن را به معصوم نسبت می‌دهد.^۵ به‌کارگیران چنین شیوه‌ای را از آن افرادی دانسته‌اند که چندان تخیلی پربار و قوی نداشته‌اند.^۶ بیشتر احادیث مرفوع ضعیف یا سست را از این گونه دانسته‌اند؛ چه ضعف سند، دلالت بر موقوف (سخن منسوب به صحابی) یا مقطوع (سخن منسوب به تابعی) بودن این احادیث در اصل می‌کند؛^۷ برای نمونه به مثال‌های ذیل اشاره می‌شود:

از عایشه از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده است:

۳. علوم الحدیث و مصطلحه، ص ۲۸۳.

۴. تفسیر المیزان، ج ۱۵، ص ۳۶۹.

۵. علوم الحدیث (مقدمه این صلاح)، ۹۸۱ الرعاية في علم الدراية، ص ۱۶۳؛ الرواشح السماوية، ص ۱۹۸، علوم الحدیث و مصطلحه، ص ۲۸۳؛ مقياس الهداية في علم الدراية، ج ۱، ص ۴۱۶؛ منهج النقد في علوم الحدیث، ص ۳۰۱؛ منهج نقد المتن عند علماء الحدیث النبوی، ص ۶۳ و ۶۴.

۶. علوم الحدیث و مصطلحه، ص ۲۸۲.

۷. منهج نقد المتن عند علماء الحدیث النبوی، ص ۶۱.

شش چیز موجب فراموشی می‌شود خوردن باقیمانده موش، انداختن شپش زنده، ادرار در آب راکد، رد شدن از میان قطار شتران، جویدن علك و خوردن سیب و خوردن صمغ لادن فراموشی را زایل می‌کند.

که از جهت متن و سند سخت تضعیف و موضوع دانسته شده^۸ و تصریح شده که عقلاً، علماً و حساً هیچ ارتباطی میان این امور و فراموشی وجود ندارد^۹ و ظاهراً با توجه به نظریات طبی زمان خود این حدیث جعل شده است.

در منابع شیعه نیز از معصوم موارد زیر به عنوان موجبات فراموشی ذکر شده است:

خوردن پنیر، سؤر موش، پنیر ترش، جُلْجُلان (تخم گشنیز یا دانه‌های میان انجیل)، حجامت در نقره (استخوان قَمْحَدوه، استخوان پس سری)، راه رفتن میان دو زن، نگاه کردن به مصلوب و تَعَار (زخمی، دراز کشیده)، خواندن سنگ قبرها، ادرار در آب راکد، انداختن شپش (یا شپش زنده بر زمین) و گذشتن از میان ستونی از شتران.^{۱۰}

از معاذ بن جبل روایت شده هنگامی که پیامبر ﷺ او را به سوی یمن گسیل داشت، فرمود:

تو به سوی قومی از اهل کتاب می‌روی. پس اگر از تو درباره کهکشان پرسیدند، بگو که آن از عرق افعی زیر عرش است.^{۱۱}

این حدیث و مشابه آن از نظر سند تضعیف شده و از نظر متن باطل دانسته شده‌اند^{۱۲} و تصریح شده که خود متن بر بطلان خود دلالت دارد و نشان می‌دهد این سخنان از پیامبر ﷺ نیست^{۱۳} و بر خلاف عقل است^{۱۴}. ظاهراً چنین اقوالی برجای مانده از اعتقادات مردم زمانه است.

ابوهریره نقل می‌کند که:

شنیدم پیامبر ﷺ درباره موسی ﷺ بر منبر سخن می‌گفت، پس فرمود: موسی ﷺ با خود فکر که آیا خداوند می‌خواهد. پس خداوند فرشته‌ای به سوی او فرستاد، پس او را سه بار بیدار کرد. سپس دو جام شیشه‌ای به او داد و دستور داد که آن دو را نگه دارد. پس موسی هرگاه می‌خواست، بخوابد دو دستش به هم نزدیک می‌شدند. پس از خواب برمی‌خواست و آن دو را از هم دور می‌کرد تا این که کاملاً خوابید و دو دستش به هم خورد و دو جام

۸. الموضوعات، ج ۳، ص ۳۴؛ كشف الخفاء، ج ۲، ص ۳۱۴-۳۱۳؛ الكامل في ضعفاء الرجال، ج ۲، ص ۲۰۴؛ میزان الاعتدال، ج ۱، ص ۵۷۳ المنار المنيف، ص ۵۹.

۹. منهج نقد المتن عند علماء الحديث النبوي، ص ۳۰۹.

۱۰. الخصال، ص ۴۲۲-۴۲۳؛ بحار الأنوار، ج ۵۹، ص ۲۹۵ و ج ۳۱۹، ۳۲۰....

۱۱. المعجم الاوسط، ج ۷، ص ۴۱؛ كز العمال، ج ۶، ص ۱۵۰؛ تاريخ بغداد، ج ۹، ص ۴۵؛ تاريخ مدينة دمشق، ج ۳۳، ص ۴۱۷.

۱۲. الموضوعات، ج ۱، ص ۱۴۲-۱۴۱؛ مجمع الروايد، ج ۸، ص ۱۳۵؛ تاريخ بغداد، ج ۹، ص ۴۵؛ میزان الاعتدال، ج ۲، ص ۵۳۰؛ لسان الميزان، ج ۳، ص ۳۸۱.

۱۳. المنار المنيف، ص ۵۹؛ منهج نقد المتن عند علماء الحديث النبوي، ص ۳۰۸.

۱۴. منهج نقد المتن عند علماء الحديث النبوي، ص ۳۰۸.

شیشه‌ای شکستند و بدین‌گونه بدو فهمانده شد که اگر خداوند می‌خواهد، جهان از بین می‌رفت.^{۱۵}

گفته شده این حدیث نه تنها مرفوع نیست، بلکه از اسرائیلیات منکر است و موسی علیه السلام بالاتر از آن است که خواب را بر خداوند روا بداند و در قرآن نیز آمده است:

«الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَّةٌ وَلَا نَوْمٌ لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ» (سوره بقره، آیه ۲۵۵)^{۱۶}.

و این که با توجه به آیه

«وَمَا يَنْبَغُ عَنِ اللَّهِ» * «إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَى» (سوره نجم، آیه ۳ و ۴) و طعن‌های موجود در حدیث نسبت به صفات الهی، معقول نیست که این حدیث به پیامبر صلی الله علیه و آله نسبت داده شود و شکی نیست که این از خرافات و اسطوره‌ها بوده و از جمله مرویات ابوهریره از کعب الاحبار است که آنها را به قصد تحریف و تخریب دین اسلام منتشر می‌کرد.^{۱۷}

باید یادآور شد که شبیه به حدیث بالا، از ابو برده و عبدالله بن سلام و ابن عباس موقوف و از سعید بن جبیر و عکرمه به صورت منقطع نیز نقل شده است^{۱۸} و نقل آن منحصر در ابو هریره نیست.

۳ - ۱. واضح، حدیث ضعیف السندی را گرفته و برای آن، سند صحیحی تهیه می‌بیند تا رواج یابد^{۱۹}؛ هر چند برخی این نوع حدیث را از نوع حدیث مقلوب^{۲۰} نه موضوع و برخی آن را مرکب الاسناد دانسته‌اند.^{۲۱}

به هر حال، موضوع دانستن این نوع حدیث به راحتی میسر نیست؛ چه ضعف سند، خودبه‌خود دلالت بر وضع نمی‌کند؛ هر چند می‌تواند قرینه‌ای بر وضع باشد.

از سویی دیگر، صحت سند، دلیل بر صحت متن نیست و این امر موجب نمی‌شود که به متن نظر نشود. از این رو، تصریح شده احادیثی وجود دارند که علی‌رغم صحت سندشان، مردود شناخته شده‌اند و صحت متن نیز موجب نمی‌شود که به سند نظر نشود.^{۲۲}

۱۵. المسند (المسند)، ج ۱۲، ص ۲۱؛ جامع البیان عن تأویل آی القرآن، ج ۳، ص ۱۳؛ الدر المنثور، ج ۵، ص ۲۵۵.

۱۶. التفسیر، ابن کثیر، ج ۱، ص ۳۱۶.

۱۷. نقد الحدیث فی علم الروایة و علم الدرایة، ج ۲، ص ۲۹.

۱۸. جامع البیان، ج ۳، ص ۱۲؛ الدر المنثور ج ۵، ص ۲۵۵؛ التفسیر، ج ۱، ص ۳۱۶.

۱۹. الرعیة فی علم الدرایة، ص ۱۶۳؛ الرواشح المساویة، ص ۱۹۸؛ مقیاس الهدایة فی علم الدرایة، ج ۱، ص ۴۱۶.

۲۰. مقیاس الهدایة فی علم الدرایة، ج ۱، ص ۴۱۶.

حدیث مقلوب، حدیثی است که به طریقی دیگر و بهتر از تمام طریق اول یا بعضی آن روایت شده باشد تا به آن راغب شوند (الرعیة فی علم الدرایة، ص ۱۵۰).

۲۱. الرواشح المساویة، ص ۱۹۸.

۲۲. معرفة علوم الحدیث، ص ۱۴ و ۵۸؛ منهج نقد المتن عند علماء الحدیث النبوی، ص ۳۲، ۱۶۳، ۳۴۰ و ۳۵۵؛ الحدیث و المحدثون أو عنایة

۴- ۱. واضح، تفسیری به رأی غلط یا جری و تطبیقی نادرست یا مغرضانه از متون مذهبی بخصوص قرآن را، برای ایجاد رغبت در آنها، با سندی خودساخته یا از جایی دیگر گرفته شده، یا بدون سند (به صورت ارسال) به معصوم نسبت دهد. برای نمونه، موارد ذیل ذکر می‌شود:

از پیامبر ﷺ نقل شده که در تفسیر: «يَوْمَ تَبْيَضُّ وُجُوهٌ وَتَسْوَدُّ وُجُوهٌ...» (سوره آل عمران، آیه ۱۰۶ و ۱۰۷)، فرمود: «فأما الذين ابيضت وجوههم» اهل سنت و جماعت و «وأما الذين اسودت وجوههم» اهل بدعت و تفرقه هستند.^{۲۳}

این حدیث را از جلیلیات احمد بن عبدالله انصاری دانسته‌اند^{۲۴} و می‌توان گفت یکی از نشانه‌های جعلی بودن این حدیث وجود اصطلاحاتی همچون اهل سنت و جماعت در آن است که به طور قطع در زمان پیامبر ﷺ وجود نداشته‌اند.

باید یادآور شد که در برخی روایت‌های شیعه و به نقل از پیامبر ﷺ، این آیه در موالات و معادات علی ﷺ تفسیر شده است.^{۲۵}

در الکافی کتاب «الحجة» در بابی تحت عنوان «فيه نكت وتنف من التنزيل في الولاية»، ۹۴ حدیث وجود دارد که اکثر آنها در مقام تطبیق آیات قرآن با امامت امامان هستند. و برخی برآن‌اند که راویان این روایت‌ها عالی، مطعون و مجروح و روایت‌ها غیر قابل اعتماد بوده، بیشتر آنها از حیث محتوا مخالف ظاهر قرآن هستند.^{۲۶} برای مثال،

از حسین بن محمد، از معلی بن محمد، از جعفر بن محمد بن عبیدالله (یا عبدالله)، از محمد بن عیسی قمی، از محمد بن سلیمان، از عبدالله بن سنان، از امام صادق ﷺ نقل شده که خواند: «ولقد عهدنا إلى آدم من قبل» کلمات فی محمد و علی و فاطمة والحسن والحسين و الائمة من ذريتهم «فنسی»، و فرمود: این آیه (یعنی سوره طه، آیه ۱۱۴) این‌گونه بر پیامبر ﷺ نازل شد.^{۲۷}

معلی بن محمد^{۲۸} و محمد بن سلیمان دیلمی^{۲۹}، راویان این حدیث، ضعیف و عالی و فاسد المذهب شمرده شده‌اند و درباره عبدالله بن سنان^{۳۰} نیز اختلاف کرده‌اند و گفته شده که حدیث مذکور

۱. الأمانة الإسلامية بالسنّة النبویة، ص ۳۱۴؛ الکفایة، ص ۱۱۶؛ منهج النقد عند المحدثین نشأته و تاریخه، ص ۸۲؛ الموضوعات فی الآثار و الاختیار، ص ۲۹۰-۲۰۸؛ نقد الحدیث فی علم الروایة و علم الدراییة، ج ۱، ص ۴۳۱.

۲۳. تاریخ بغداد، ج ۱۷، ص ۳۹۱-۳۹۰؛ تاریخ مدینه دمشق (تاریخ شام)، ج ۲۳، ص ۱۰؛ لسان المیزان، ج ۱، ص ۲۰۲.

۲۴. لسان المیزان، ج ۱، ص ۲۰۲.

۲۵. مدینة المعاجز، ج ۲، ص ۲۷۱؛ التفسیر، علی ابراهیمی قمی، ج ۱، ص ۱۰۸ به بعد.

۲۶. دراسات فی الحدیث و المحدثین، ص ۳۱۷-۲۸۵، ۲۹۴.

۲۷. الکافی، ج ۱، ص ۴۱۶.

۲۸. معجم الرجال الحدیث، ج ۱۹، ص ۲۷۹.

۲۹. همان، ج ۱۷، ص ۱۳۵.

۳۰. همان، ج ۱۱، ص ۲۱۷ به بعد.

به‌دور از مدلول الفاظ و اسلوب قرآنی است.^{۳۱} علاوه بر آن، روایت مذکور بر تحریف قرآن دلالت دارد، که معارض اجماع مسلمین است.

و از آنس نقل شده که هنگامی که سوره تین بر پیامبر ﷺ نازل شد، حضرت بسیار خوشحال شد، پس ابن عباس از ایشان ﷺ از تفسیر این سوره پرسید. فرمود:

اما قول الله «والتین» فبلاد الشام، و «الزیتون» بلاد فلسطين، و «طور سیناء» الذي كلم الله عليه موسى، و «هذا البلد الامين» مكة المكرمة، و «لقد خلقنا الانسان في احسن تقويم» محمد ﷺ، «ثم رددناه أسفل السافلين»، عباد اللات والعزى، «الا الذين آمنوا وعملوا الصالحات» أبو بكر وعمر، «فلهم أجر غير ممنون» عثمان بن عفان، «فما يكذبك بعد بالدين» على بن أبي طالب، «أليس الله بأحكم الحاكمين» بعثك فيهم وجمعهم على التقوى يا محمد.^{۳۲}

سند این حدیث، سخت ضعیف و خود حدیث بدون اصل و بسیار رکیک دانسته شده است.^{۳۳} همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، چنین تأویلی سیاسی، یکسویه و تقلیل‌گرایانه است؛ ضمن این که معنای واضح و معقولی از آن به‌دست نمی‌آید؛ در حالی که ظاهر سوره کاملاً قابل فهم و قبول است. از سویی دیگر، چه لزومی دارد که خداوند این‌گونه معماوار سخن بگوید؟ و آیا در حقیقت دوستان پیامبر ﷺ همین چهار نفر بودند؟

در روایتی نزد شیعه، اما به طریق اهل سنت، از ابوهریره و ابن عباس نقل شده که مراد از «فَمَا يُكَذِّبُكَ بَعْدُ بِالْدينِ» این است:

ای محمد، علی ﷺ پس از ایمان آوردنش به حساب، تو را تکذیب نخواهد کرد.

و از آن تداوم ایمان علی ﷺ فقط برداشت شده است^{۳۴}؛ چه بسا برای اشاره به این مطلب که برخی این تداوم را نداشته‌اند.

۵ - ۱. واضح، حدیثی صحیحی را گرفته و الفاظ و عباراتی را به قصد دستیابی بر مفاهیمی خاص، به آن افزوده یا کم می‌کند. در حقیقت در این شیوه، حدیث دارای اصل با دور شدن از معنای اصلی‌اش، مسمول حکم حدیث جعلی می‌شود؛ در حالی که بخشی از آن صحیح و بخشی اضافات وارد بر آن است. البته این احتمال نیز وجود دارد که این نوع احادیث از روی غفلت و سهو به ظهور برسند.

۳۱. دراسات في الحديث و المحدثين، ص ۲۱۴.

۳۲. شواهد التنزيل لقواعد التفضيل في آيات النزلة في أصل البيت، ج ۲، ص ۴۵۴؛ تاریخ بغداد، ج ۲، ص ۹۶؛ تاریخ مدینه دمشق (تاریخ شام)، ج ۱، ص ۲۱۴....

۳۳. الموضوعات، ج ۱، ص ۲۴۹؛ تاریخ بغداد، ج ۲، ص ۹۶؛ تاریخ مدینه دمشق (تاریخ شام)، ج ۱، ص ۲۱۴؛ میزان الاعتدال، ج ۳، ص ۴۹۵-۴۹۴.

۳۴. مناقب آل أبي طالب، ج ۱، ص ۳۸۴.

برای مثال، نقل شده که ابن عمر روایت می‌کرد که پیامبر ﷺ بر سر چاه‌های بدر ایستاد و به کشته‌های قریشیان - که در آن انداخته شده بودند - فرمود:

«هل وجدتم ما وعد ربكم حقاً».

سپس فرمود:

«انهم الآن يسمعون ما أقول».

عایشه وقتی خبر را این گونه شنید، گفت:

چنین نیست، بلکه پیامبر ﷺ فرمود: «انهم ليعلمون الآن أن ما كنت أقول لهم حقاً» و به این آیه قرآنی استدلال کرد: «وَمَا أَنْتَ بِمُشْمِعٍ مِّنْ فِي الْقُبُورِ» (سوره فاطر، آیه ۲۲) و در روایتی: «إِنَّكَ لَا تَسْمَعُ الْمَوْتَى» (سوره نمل، آیه ۸۰) ۳۵.

لذا در روایت ابوهریره مردگان سخنان را می‌شنوند و در روایت عایشه نمی‌شنوند؛ این در حالی است که از پیامبر ﷺ در مقابل این سؤال عمر که آیا اینان سخنان شما را می‌شنوند، نقل شده که فرمود:

«والذي نفس محمد بيده ما أنتم بأسمع لما أقول منهم»

و در روایتی اضافه شده:

«ولكن لا يجيبون» (و مانند آن) ۳۶.

علاوه بر آن، سؤال پیامبر ﷺ از مردگان کفار، ظاهراً مثال قرآنی نیز دارد؛ مانند داستان صالح در:

«فَأَخَذَتْهُمُ الرَّجْفَةُ فَأَصْبَحُوا فِي دَارِهِمْ جِثِيمِينَ * فَتَوَلَّى عَنْهُمْ وَقَالَ يَاقَوْمِ لَقَدْ أَبْلَغْتُكُمْ رِسَالَةَ رَبِّي وَنَصَحْتُ لَكُمْ وَلَكِنْ لَا تُحِبُّونَ النَّصِيحِينَ» (سوره اعراف، آیه ۷۹ - ۷۸).

و داستان شعیب در:

«فَأَخَذَتْهُمُ الرَّجْفَةُ فَأَصْبَحُوا فِي دَارِهِمْ جِثِيمِينَ * الَّذِينَ كَذَّبُوا شُعْبًا كَانُوا يَمْنُونَ بِهَا الَّذِينَ كَذَّبُوا شُعْبًا كَانُوا هُمُ الْخَاسِرِينَ * فَتَوَلَّى عَنْهُمْ وَقَالَ يَاقَوْمِ لَقَدْ أَبْلَغْتُكُمْ رِسَالَةَ رَبِّي وَنَصَحْتُ لَكُمْ فَكَيْفَ آسَأُ عَلَى قَوْمٍ كَافِرِينَ» (سوره اعراف، آیه ۹۳ - ۹۱) ۳۷.

از علی علیه السلام از پیامبر ﷺ نقل شده است:

ابدال در شام هستند و آنها چهل تن اند، هرگاه یکی بمیرد، خداوند دیگری را بدل از او

۳۵. الصحيح (بخاری)، ج ۵، ص ۹؛ الصحيح (مسلم)، ج ۳، ص ۴۴؛ السنن (نسائی)، ج ۴، ص ۱۱۱ - ۱۱۰؛ المسند (ابن حنبل)، ج ۶، ص ۲۷۶.

۳۶. الصحيح (بخاری)، ج ۵، ص ۹ - ۸، ۲۱؛ الصحيح (مسلم)، ج ۱، ص ۲۷، ح ۲، ص ۱۳۱، ج ۳، ص ۱۰۴، ۱۴۵، ۱۸۲، ۲۲۰، ۲۶۳، ج ۴، ص ۲۹؛ السنن (نسائی)، ج ۴، ص ۱۰۹ و ۱۱۰....

۳۷. منهج نقد المتن عند علماء الحديث النبوي، ص ۱۲۸ - ۱۲۷.

قرار می‌دهد؛ به توسط آنها باران می‌بارد و بر دشمنان پیروزی حاصل می‌گردد و از اهل شام عذاب دور گردانیده می‌شود^{۳۸}.

گفته شده که این حدیث با وجود انقطاع سند و شامی بودن، قوی‌ترین حدیثی است که در خصوص ابدال روایت شده است^{۳۹}. با این همه، برخی متذکر شده‌اند که احتمالاً این حدیث از سخنان پیامبر ﷺ نباشد، چرا که ایمان در حجاز و یمن پیش از فتح شام و عراق بود و این دو هنوز دار کفر بودند و در خلافت علی رضی الله عنه از پیامبر ﷺ ثابت شده است که:

مارقین بر بهترین گروه از مسلمان قیام کرده و سزاوارترین دو گروه به حق آنها با آنها می‌جنگد^{۴۰}.

پس علی رضی الله عنه و اصحابش اولی به حق نسبت به شامیانی هستند که با آنان جنگیدند^{۴۱}. برخی نیز گفته‌اند که این حدیث اصلی دارد؛ بدین‌گونه که برخی از یاران علی رضی الله عنه، به اهل شام دشنام می‌دادند. پس حضرت آنان را از این کار نهی کرد و گفت:

ان بها (فیها) الابدال^{۴۲}

خداوند یاران معاویه را به غیر آنها تبدیل می‌کند.

اما راویان مزدور بنی امیه و سپس صوفیه بدان افزوده و آن را مرفوع کرده، احادیث دیگری برای تقویت آن جعل نمودند^{۴۳}؛ هر چند به نظر می‌آید اگر چنین معنایی مد نظر علی رضی الله عنه بود، باید می‌فرمود: «انه سیکون فیهم ابدال» یا مانند آن.

همچنین در روایتی از جابر آمده که پیامبر ﷺ در خطبه روز عرفه فرمود:

ترکت فیکم ما لن تزلوا بعده ان اعتصمتم به کتاب الله^{۴۴}.

اما ظاهراً از حدیث مذکور، با توجه به روایت‌های دیگر از این حدیث، عبارتی افتاده است؛ ضمن این که اکثر زمان صدور آن را حجة الوداع دانسته‌اند. همچنین از طرق اهل سنت از جابر در نقلی دیگر آمده که پیامبر ﷺ در خطبه روز عرفه فرمود:

ترکت فیکم ما لن تزلوا بعده ان اعتصمتم به کتاب الله و سنتی^{۴۵}.

۳۸. المستدرک (ابن حنبل)، ج ۱، ص ۱۱۲؛ الجامع الصغیر، ج ۱، ص ۴۷۰؛ کنز العمال، ج ۱۲، ص ۱۸۶.

۳۹. الاضواء علی السنة المحمدية أو دفاع عن الحديث، ص ۱۳۳.

۴۰. المستدرک (ابن حنبل)، ج ۳، ص ۳۲، ۹۷؛ الصحيح (مسلم)، ج ۳، ص ۱۱۳ (چهار حدیث)... (با تعابیر نزدیک به هم).

۴۱. الاضواء علی السنة المحمدية، ص ۱۳۳.

۴۲. المصنف، ج ۱۱، ص ۲۴۹؛ المعجم الاوسط، ج ۴، ص ۱۷۶؛ کنز العمال، ج ۱۲، ص ۲۷۵، ج ۱۴، ص ۵۳ و ۵۴.

۴۳. مجلة المنار، ج ۲۷، ص ۷۵۴ (به نقل از: الاضواء علی السنة المحمدية، ص ۱۳۴-۱۳۳).

۴۴. الصحيح، (مسلم)، ج ۴، ص ۴۱؛ السنن، ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۰۲۵؛ السنن، أبو داود، ج ۱، ص ۴۲۷؛ المستدرک علی الصحيحین، ج ۱، ص ۹۳؛ السنن الکبری، ج ۵، ص ۸؛ السنن الکبری، نسائی، ج ۲، ص ۴۲۲؛ سیرة النبی ﷺ (سیرة ابن هشام)، ج ۴، ص ۱۰۲۳... (با تعابیر نزدیک به هم).

۴۵. الموطأ، ج ۲، ص ۸۹۹؛ المستدرک علی الصحيحین، ج ۱، ص ۹۳؛ السنن الکبری (بیهقی)، ج ۱۰، ص ۱۱۴ (دو حدیث)... (با) ←

و باز از طرق اهل سنت و از زبان بیش از بیست صحابی در نقلی دیگر آمده است :
انی تارك فيكم الثقلين كتاب الله وعترتي اهل بيتي^{۴۶}.
۶- ۱. برخی از این شیوه نیز یاد کرده‌اند:

راوی هنگام شنیدن یا نقل روایت، دچار عدم ضبط سهو و نسیان می‌شود^{۴۷}.

اما ظاهراً نمی‌توان این مورد را به عنوان شیوه‌ای در این باب ذکر کرد، بلکه یکی از علت آسیب دیدن حدیثی است که اصل دارد؛ هر چند ممکن است این امر، در نهایت حدیث را از معنای اصلی خود دور و مشمول حکم حدیث جعلی کند.

علاوه بر این علت، نقل به معنای حدیث، نقص در رسم الخط و تسامح و تساهل در اخذ و نقل حدیث نیز علل رسیدن آسیب‌های جدی به حدیث از حیث لفظ و معنا بوده و عملاً حدیث را در حکم حدیث موضوع قرار می‌دهد.

۲. منابع جعل کنندگان حدیث

با توجه به آنچه آمد، می‌توان منابع مورد استفاده وضاعان را چنین برشمرد:

۱- ۲. منبع درونی، که عبارت است از: الف. اندیشه‌ها و تخیلات خود وضاعان؛ ب. اشتباه یا کوتاهی راویان.

۲- ۲. منبع بیرونی، که عبارت است از:

الف. روایت‌های منقول اما با سندی ضعیف؛

ب. اقوال صحابه، تابعان و تابع تابعان؛

ج. اقوال فیلسوفان، حکیمان (دانیان)، پارسایان، پزشکان و...؛

د. اسرائیلیات (منابع مذهبی اهل کتاب و دیگر مذاهب).^{۴۸}

۳. مضامین احادیث موضوع

۱- ۳. مضمون احادیث از حیث صحت و عدم صحت به طور کلی، بر دو نوع است:

الف. مضمون آن به‌طور کلی باطل است که بعضاً حتی مردم معمولی آن را به زبان نمی‌آورند؛

چه رسد به بزرگانی چون پیامبر ﷺ و معصومان^{۴۸}.

ب. مضمون آن به‌تجوی از صحت یا مقبولیت برخوردار است؛ مانند سخن درست و صحیح

۴۶ تعابیر قریب به یکدیگر).

۴۶. المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۰۹ و ۱۴۸؛ السنن الکبری (نسائی)، ج ۵، ص ۵۱، ۴۵ و ۱۳۰؛ خصائص أمير المؤمنين عليه السلام، ص

۹۳؛ المسند (ابن حنبل)، ج ۳، ص ۱۴، ۱۷، ۲۷، ۵۹؛ السنن، عبدالله بن بهرام دارمی، ج ۲، ص ۴۳۲؛ السنن الکبری (بیهقی)، ج ۷،

ص ۳۰، ج ۱۰، ص ۱۱۴، ...

۴۷. علوم الحدیث (مقدمه ابن الصلاح)، ص ۸۲-۸۱.

۴۸. قواعد التحديث من فنون مصطلح الحدیث، ص ۱۸۲.

برخی از پیشینیان، دانشمندان، مردم، یا سخنان اجتهادی برخی از علما^{۴۹}.

۲- ۳. مضمون احادیث جعلی از حیث جزئیات مطالب، شامل تمام ابواب علوم اسلامی یا علوم مطرح در حوزه دانش مسلمین از احکام، عقاید، اخلاق، تفسیر، تاریخ، فضایل افراد، اعمال و اشیا، طب، و... است^{۵۰}.

۴. نتیجه‌گیری

به طور کلی، وضاعان حدیث برای جعل احادیث خود به تمام توانایی‌های خود و امکانات موجود از تخیلات فردی، معلومات شخصی، علوم روز، باورهای شخصی یا شایع و... به عنوان منبع توجه داشته‌اند و به تمام مضامین و موضوعات شرعی و غیر شرعی پرداخته‌اند؛ لذا با توجه به این حقیقت، باید در مراجعه و استناد به احادیث دقیق بوده و متنبه بود که نباید به راحتی هر مضمونی روایی را مضمونی اصیل اسلامی دانست.

کتاب‌نامه

- الاضواء علی السنة المحمدية أو دفاع عن الحديث، محمود أبوریة، بی جا، نشر البطحاء، پنجم، بی تا.
- بحار الأنوار، محمدباقر بن محمد تقی مجلسی، بیروت: مؤسسة الوفاء، دوم، ۱۴۰۳ ق.
- تاریخ بغداد، احمد بن علی خطیب بغدادی، تحقیق: مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت: دارالکتب العلمیة، اول، ۱۴۱۷ ق.
- تاریخ مدینه دمشق (تاریخ شام) ابن عساکر، تحقیق: علی شیری، بی جا، دارالفکر، ۱۴۱۵ ق.
- التفسیر، اسماعیل بن کثیر دمشقی، بیروت: دارالمعرفة، ۱۴۱۲ ق.
- التفسیر، علی بن ابراهیم قمی، تصحیح: سید طیب جزائری، قم: مؤسسه دارالکتاب، سوم، ۱۴۰۴ ق.
- تفسیر المیزان، سید محمد حسین طباطبائی، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، بی تا.
- جامع البیان عن تأویل آی القرآن، محمد بن جریر طبری، تحقیق: صدقی جمیل عطار، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۵ ق.
- الجامع الصغير، عبدالرحمن بن ابی بکر سیوطی، بیروت: دارالفکر، اول، ۱۴۰۱ ق.
- الحديث و المحدقون أو عناية الأمة الاسلامية بالسنة النبوية، محمد محمد أبوزهو، بی جا، دارالکتب العربی، بی تا.
- خصائص أمير المؤمنين عليه السلام، احمد بن شعيب نسائی، تحقیق: محمد هادی امینی، بی جا، مکتبه نینوی الحدیثه، بی تا.
- الخصال، شیخ صدوق محمد بن علی، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه، بی تا.

۴۹. همان، ص ۱۸۲.

۵۰. علم الحدیث، ص ۱۱۷.

- الدر المنثور، عبدالرحمن بن أبي بكر سيوطي، بيروت: دارالمعرفة، اول، ١٣٦٥ ق.
- دراسات في الحديث والمحدثين، هاشم معروف حسني، بيروت: دارالتعارف للمطبوعات، دوم، ١٣٩٨ ق.
- الرعاية في علم الدراية، شهيد ثاني زين الدين بن علي، تحقيق: عبدالحسين محمّد علي بقال، قم، كتابخانه آية الله العظمى مرعشي نجفي، دوم، ١٤١٣ ق.
- الرواشح السماوية في شرح الاحاديث الامامية، محمّد باقر بن محمّد ميرداماد، بي جا، ١٣١١ ق.
- السنن، احمد بن شعيب نسائي، بيروت: دارالفكر، اول، ١٣٤٨ ق.
- السنن، عبدالله بن بهرام دارمي، دمشق: مطبعة الاعتدال، بي تا.
- السنن، سليمان بن أشعث أبو داود سجستاني، تحقيق: سعيد محمّد لحام، بيروت: دارالفكر، اول، ١٤١٠ ق.
- السنن، محمّد بن يزيد بن ماجه، تحقيق: محمّد فؤاد عبدالباقي، بيروت: دارالفكر، بي تا.
- السنن الكبرى، احمد بن حسين بيهقي، بيروت: دارالفكر، بي تا.
- السنن الكبرى، احمد بن شعيب نسائي، تحقيق: عبدالغفار سليمان بناداري، سيد حسن كسروي، بيروت، دارالكتب، اول، ١٤١١ ق.
- سيرة النبي ﷺ (سيره ابن هشام)، عبدالملك بن هشام، تحقيق: محيي الدين عبدالحميد، بي جا، مكتبة محمّد علي صبيح و أولاده، ١٣٨٣ ق.
- شواهد التنزيل لقواعد التفضيل في آيات النازلة في أهل البيت، عبیدالله بن احمد حسانى، تحقيق: محمّد باقر بهبود، بي جا، مجمع أحياء الثقافة الاسلامية، اول، ١٤١١ ق.
- الصحيح، محمّد بن اسماعيل بخارى، بيروت: دارالفكر، ١٤٠١ ق.
- الصحيح، مسلم بن حجاج، بيروت: دارالفكر، بي تا.
- علوم الحديث (مقدمة ابن الصلاح)، عثمان بن عبدالرحمن بن الصلاح، تحقيق: صلاح بن محمّد بن عويصة، بيروت: دارالكتب العلمية، اول، ١٤١٦ ق.
- علوم الحديث ومصطلحه، صبحي صالح، دمشق: جامعة دمشق، پنجم، ١٩٥٩ م.
- قواعد التحديث من فنون مصطلح الحديث، محمّد جمال الدين قاسمي، بيروت: دارالكتب العلمية، بي تا.
- الكافي، محمّد بن يعقوب كليني، تحقيق: علي اكبر غفاري، دارالكتب الاسلامية، سوم، ١٣٨٨ ق.
- الكامل في ضعفاء الرجال، عبدالله بن عدى جرجاني، تحقيق: سهيل زكار، بيروت: دارالفكر، سوم، ١٤٠٩ ق.
- كشف الخفاء، اسماعيل بن محمّد عجلوني، بي جا، دارالكتب العلمية، دوم، ١٤٠٨ ق.
- كز العمال، علي بن حسام الدين متقى هندي، تحقيق: شيخ بكرى حياني و شيخ صفوة السقا، بيروت: مؤسسة الرسالة، بي تا.
- مجمع الزوائد، علي بن أبي بكر هيثمي، بيروت: دارالكتب العلمية، ١٤٠٨ ق.

- مدینه المعاجر، سید هاشم بن سلیمان بحرانی، تحقیق: عزت الله مولای همدانی، بی جا، مؤسسه المعارف الاسلامیه، اول، ۱۴۱۳ ق.
- المستدرک علی الصحیحین، محمد بن عبدالله حاکم نیشابوری، تحقیق: یوسف مرعشلی، بیروت: دارالمعرفه، ۱۴۰۶ ق.
- المسند، احمد بن علی أبو یعلی، تحقیق: حسین سلیم اسد، بی جا، دارالمأمون للتراث - دارالثقافه العربیة، بی تا.
- المسند، احمد بن محمد بن حنبل، بیروت: دارالصادر، بی تا.
- المعجم الاوسط، سلیمان بن احمد طبرانی، تحقیق: ابراهیم حسینی، بی جا، دارالحرمین، بی تا.
- معرفه علوم الحدیث، محمد بن عبدالله حاکم نیشابوری، تحقیق: لجنة احياء التراث العربی، بی جا، دارالآفاق الجدیدة، چهارم، ۱۴۰۰ ق.
- مقياس الهداية في علم الدراية، عبدالله مامقانی، تحقیق: محمدرضا مامقانی، بیروت: مؤسسه آل البيت عليه السلام لإحياء التراث، اول، ۱۴۱۱ ق.
- المنار المنيف، محمد بن أبي بكر ابن قيم الجوزية، تحقیق: عبدالفتاح أبو غدة، حلب، مكتب المطبوعات الاسلامیه، دوم، ۱۴۰۳ ق.
- مناقب آد أبي طالب، محمد بن علی بن شهر آشوب، تحقیق: کمیته ای از استادان نجف، نجف، ۱۳۷۸ ق.
- منهج النقد عند المحدثين نشأته و تاريخه، محمد مصطفی أعظمی، ریاض، سوم، ۱۳۴۰ ق.
- منهج النقد في علوم الحدیث، نورالدین عتر، دمشق: دارالفکر، سوم، ۱۹۸۵ م.
- منهج نقد المتن عند علماء الحديث النبوی، صلاح الدین بن احمد ادلیبی، بیروت: دار لافاق الجدیدة، اول، ۱۹۸۳ م.
- الموضوعات، عبدالرحمن بن علی ابن الجوزی، تحقیق: عبدالرحمن محمد عثمان، مدینه: المتکبة السلفية، اول، ۱۳۸۶ ق.
- الموضوعات في الآثار والاخبار، هاشم معروف حسنی، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات، ۱۴۰۷ ق.
- الموطأ، مالک بن أنس، تحقیق: محمد فؤاد عبدالباقي، بیروت: دار احياء التراث العربی، اول، ۱۴۰۶ ق.
- ميزان الاعتدال، محمد بن احمد ذهبی، تحقیق: علی محمد بجاوی، بیروت: دارالمعرفه، اول، ۱۳۸۲ ق.
- لسان الميزان، احمد بن علی بن حجر عسقلانی، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، دوم، ۱۳۹۰ ق.
- نقد الحديث في علم الرواية و علم الدراية، حسین حاج حسن، بیروت: مؤسسه الوفاء، اول، ۱۹۸۵ م.